

شاخص‌های تعیین کیفرهای اصلاح‌مدار با محوریت آموزش محکومان

(مقاله علمی-پژوهشی)

رضا خان میرزایی* مسعود حیدری**
محمود اشرفی*** علی یوسف زاده****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

چکیده

امروزه نظام کیفردهی به مجرمین ابعاد گوناگونی یافته است که در کنار شخصیت مختلف بزهکاران و محکومان، نمی‌توان بدون توجه به اقتضات و اصول و قواعد حاکم بر تعیین کیفر، کیفر متناسبی نسبت به اشخاص تعیین نمود. اساسی‌ترین محور مؤثر بر کاهش آمار تکرار جرم و هدفمندسازی تعیین و پیاده‌سازی کیفر، توجه به آموزش اشخاص است که می‌تواند در ضمن تضمین تحقق بازپروری اشخاص، نظام عدالت کیفری را مقید به مطالعات کیفرشناختی، نهادهای کیفری را مؤثر جلوه‌گر سازد. مقاله حاضر درصدد است تا با مطالعه میدانی و تلفیق آن با مطالعات نظری، نسبت به ارائه الگوی پیشنهادی جهت تعیین شاخص‌های مؤثر بر اصلاح و بازپروری محکومان به کیفر حبس و نهادهای ارفاق‌آمیز خروج از زندان یا کیفرهای اجتماعی در قالب دوره‌های آموزشی از دیدگاه نهادهای مرتبط با تعیین مجازات برآید. نظر به لزوم کاهش تکرار جرم و تحقق اهداف بازپروری محکومان به کیفر، این سؤال اساسی مطرح است که وضعیت کلی التزام و پیاده‌سازی قواعد آموزش‌مدار حاکم بر تعیین کیفر در کشور چگونه است و چه شاخص‌هایی می‌تواند جایگاه اصلاح و درمان مبتنی بر آموزش را ضمن آسیب‌شناسی احیا کند؟ جامعه آماری این پژوهش از دو نوع جامعه آماری تشکیل شده بود. جامعه آماری خبرگان به تعداد ۸۰ نفر و جامعه آماری زندانیان به تعداد ۱۰۰ نفر. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای در قالب فیش‌برداری و میدانی بوده است. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت پرسشنامه محقق ساخته است. این پرسشنامه از چندین شاخص تشکیل شده بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه نوزدهم انجام شد. پایایی این پژوهش از طریق آلفای کرونباخ بالای تأیید شد. مؤلفه‌های تعیین‌کننده‌ای چون اولویت‌گذاری آموزشی نسبت به زندانیان، استعدادیابی و نیازسنجی الگوی آموزشی، بستر فراگیری دوره آموزشی، تغییر رفتار مجرمین و کیفیت محتوای الگوی آموزشی از جمله تدابیر مؤثر در راستای احیای جایگاه آموزش زندانیان و ارتقای اصلاح محکومان و همچنین نظام‌مندسازی تعیین کیفر قلمداد خواهند شد.

کلیدواژگان:

آموزش محکومان، اصلاح و درمان، تعیین مجازات، بازپروری و بازپذیرسازی اجتماعی.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)
khanmirzaee.lawyer@yahoo.com

** استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان) (نویسنده مسئول)
heydari@khuisf.ac.ir

*** استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)
mahmood.ashrafy@yahoo.com

**** استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)
ali.yosef146@yahoo.com

مقدمه

آموزش بزهکارانی که وصف و برجسب محکوم را دریافت می‌کنند، از جمله اصلی‌ترین و مهم‌ترین راهکار کاهش تکرار بزهکاری است. رکن اساسی تدابیر بازپذیرسازی محکومان تأکید بر آموزش و اصلاح آنان است. به همین دلیل است که در کشورهای پیشرو، تمامی نهادهای تعیین‌کننده طول کیفر زندان و مرتبط با آن را تحت عنوان تدابیر اصلاح‌مدار^۱ مورد مطالعه قرار می‌دهند.^۲ از زمانی که نسبت به بزهکاری به‌موجب حکم قضایی محکومیت قطعیت‌یافته صادر می‌شود، تا زمانی که آن محکوم مدت حکم قضایی خود را به پایان می‌رساند، آموزش و تکیه بر اصلاح آنان تداوم دارد و با اثبات مطالعات کیفرشناختی، اندک خللی در فرایند کیفردهی، در عین افزایش تکرار جرم، شکست برنامه‌های اصلاح و درمان در بر خواهد داشت.^۳ بر این مبنای مجرمینی را که موضوع و هدف آموزش قرار دارند، می‌توان در دسته‌بندی‌های چهارگانه‌ای احصا نمود: ۱- بزهکارانی که در مسیر محاکمه و شمول کیفر هستند؛ ۲- محکومان به کیفرهای جایگزین حبس؛ ۳- محکومان در حال تحمل کیفر حبس؛ ۴- محکومان آزادشده قبل از اتمام مدت حبس. در نوع اول، جایگاه آموزش در ارتباط با استفاده از نهادهای ارفاقی مرتبط با تعیین مجازات قرارداد و در سه دسته پس از آن، آموزش شخص محکوم با هدف تحقق اصلاح و درمان وی مطرح است. به لحاظ بین‌المللی نیز مقررات مختلف تأکید جدی بر آموزش زندانیان داشته‌اند؛ به‌ویژه ماده ۷۷ مجموعه قواعد حداقل نحوه رفتار با زندانیان هنجارهای بین‌المللی بر ضرورت آموزش و تحصیل زندانیان، الزامی‌نمودن این آموزش برای جوانان زندانی و بی‌سوادی‌ها از یک سو و پیش‌بینی و تلفیق این برنامه‌ها در نظام آموزشی هر کشور به گونه‌ای که این دسته بتوانند تحصیلات خود را پس از آزادی، بدون دشواری ادامه دهند، تأکید می‌کند.^۴ پاراگراف هفتم

1. CORRECTIONS AND SENTENCING

2. Lattimore, Pamela K, Beth M. Huebner, and Faye S. Taxman (2021) HANDBOOK ON MOVING CORRECTIONS AND SENTENCING FORWARD Building on the Record, Routledge.

۳. غلامی، حسین، کیفرشناسی؛ کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۵، ص ۵۴.

۴. به موجب این ماده که در دو قسمت تدوین شده است، «تدارکات لازم برای آموزش بیشتر به همه زندانی‌هایی که توان بهره‌جستن از آن را دارند، از جمله تعالیم مذهبی در کشورهایی که امکان آن وجود دارد، باید فراهم شود. آموزش افراد بیسواد و زندانی‌های نوجوان باید اجباری بوده و مورد توجه ویژه مسئولین اداره زندان قرار گیرد.»

از اعلامیه کامپالا درخصوص شرایط زندانیان در آفریقا صراحتاً تحصیلات آموزش حرفه‌ای را تسهیل‌کننده بازپذیری زندانیان در جامعه پس از آزادی می‌داند. اصل هشتم از اصول بنیادی مربوط به اصول بنیادی رفتار با زندانیان نیز ضرورت دستیابی به یک شغل مفید با اجرت را یادآوری و بر نقش آن در آماده‌سازی و تسهیل ورود آنان به بازار کار، رفع نیازهای مالی خود و خانواده تأکید می‌کند و این نوع آموزش حرفه‌ای می‌تواند نسبت به محکومانی که پیش از اتمام مدت حبس آزاد می‌شوند، قابلیت بحث داشته باشد. به همین دلیل است که درخصوص محکومان، آموزش محکومان، چگونگی اجرای رفتار با محکومین، فصل مستقلی با عنوان اقدامات ناظر به آماده‌سازی برای بازاجتماعی‌سازی شامل اقدامات اجتماعی- فرهنگی، آموزش، خدمات اجتماعی- آموزشی، کمک به آماده‌شدن برای آزادی قابل ذکر است. در مقاله حاضر به روش علمی موردپذیرش در مطالعات میدانی، در ابتدا به تبیین ادبیات و مبانی نظری مرتبط با جایگاه آموزش در تعیین و اجرای کیفیت، سپس روش تحقیق، و پس از آن به یافته‌های برآمده از مطالعات آماری پرداخته می‌شود.

۱. ادبیات نظری تحقیق: شاخص‌های کیفی‌شناسی با محوریت آموزش اصلاح مدار

ارزیابی صورت‌گرفته در حقوق کیفری برخی کشورها از جمله آمریکا نشان می‌دهد که برنامه‌های رفتاری که معیارها و عوامل جرم‌شناختی از جمله رویکردها و باورهای اجتماعی در ارتکاب جرم را مد نظر قرار می‌دهند، می‌تواند در کاهش سوءرفتار واقع در زندان مؤثر واقع شود.^۱ به‌طور خلاصه باید گفت که تأکید بیشتر بر کنترل و مجازات سختگیرانه در مقایسه با اجرای انسانی، منسجم و عادلانه قوانین و تمهیدات آموزشی مرتبط با حذف علل ارتکاب جرم، احتمالاً غیرمؤثر دارای آثار معکوس و غیر مفید است. مطالعات نشان می‌دهند اینکه زندان‌ها به چه نحوی اداره شوند، تأثیر عمده‌ای بر روی رفتار زندانیان بر جای خواهد گذاشت.^۲

→ آموزش زندانی‌ها باید تا حد ممکن با سیستم آموزشی کشور همگون باشد تا آنها بتوانند پس از آزادی به تحصیلات خود بدون دشواری ادامه دهند.»

1. Latessa, E. J., Listwan, S. J., & Koetzle, D. (2014). What works (and doesn't) in reducing recidivism. Waltham: Anderson.
2. Ibid.

۱.۱. تناسب آموزش در تعیین کیفرهای اصلاح‌مدار

نخستین شرط آموزش، متناسب‌سازی با ویژگی‌های فرد است. همچنان‌که یک مرتکب جرایم آشکار یا خیابانی نیاز به آموزش دارد، مرتکب جرم اقتصادی یا فساد که با مدرک بالایی دانشگاهی در پس میز اداری یا اجرایی جای دارد، نیازمند آموزش است، ولی آموزش هر دو از یک جنس نیست. در حقوق کیفری ایران در موارد بسیاری بر تعیین کیفر متناسب با شخصیت مجرم و گاه خصوصیات وی تأکید شده است، بی‌آنکه برای سنجش این تناسب ابزار و یا روشی پیشنهاد شده باشد. به عنوان مثال، در ماده ۲۳ ق.م.ا و در بحث مجازات تکمیلی بدین نحو اشاره شده است: «دادگاه می‌تواند فردی را که محکوم کرده ... متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی محکوم نماید». همچنین در ماده ۶۰ ق.م.ا آمده است: «دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند». به موجب ماده ۷۷ ق.م.ا نیز «قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند» بنابراین، رویکرد غالب در تعیین پاسخ‌های اصلاح‌مدار تضمین اصل تناسب در مجازات است و این تضمین زمانی قابل تحقق خواهد بود که از شخص بزهکار ارزیابی کاملی صورت گرفته باشد؛ امری که در قانون بدون در نظر گرفتن سازوکار آن پیش‌بینی شده است. بنابراین، می‌توان دریافت که نتیجه به‌کارگیری اصل سوم، در حقوق کیفری ایران و آمریکا، به فردی‌سازی پاسخ اصلاح‌مدار در انطباق با ریسک و نیازهای جرم‌زای بزهکار منتهی خواهد شد. در حقوق ایران در مرحله اجرای زندان، هم در مدیریت درون زندان و هم نسبت به تعیین و پیشنهاد آزادی موقت زندانیان از سوی قضات اجرای مجازات‌ها یا مقامات مربوط به امور آزادی زندانی^۱ در آمریکا توسل به سنجش‌های ریسک را مدنظر قرار داد. با دقت به شرایط اعطای مرخصی به زندانیان، در ماده ۲۱۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰، می‌توان نوعی توجه به ارزیابی ریسک را مشاهده نمود. این

دیدگاه به‌ویژه با نظر به امتیازبندی ۲۹ گانه مقرر در این ماده تأیید می‌شود.^۱ همچنین سنجش ریسک از نوع بالینی به منظور شناخت شخصیت زندانیان در تبصره ۲ ماده ۵۱۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ می‌تواند به معنای لزوم به کارگیری ابزارهای ارزیابی‌ها و آزمون‌ها باشد. «... محکومان با توجه به نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیت‌شان، بر اساس تصمیم شورای طبقه‌بندی^۲ و تأیید قاضی اجرای احکام در یکی از بخش‌های فوق نگهداری می‌شوند». از یک طرف عملکرد شورای طبقه‌بندی و از طرفی دیگر جهت‌دهی تصمیم‌گیری قاضی اجرای احکام می‌تواند تحت تأثیر نتیجه ارزیابی ریسک قرار بگیرد.

۱.۲. توجه به بازپذیرسازی و بازپروری اصلاح مدار محکومان و ملاحظات حاکم بر آن

بازپروری یعنی لحاظ شخصیت بزهکار در فرایند عدالت کیفری به منظور متناسب کردن پاسخ کیفری با نیازهای روانی، جسمانی و اجتماعی او، بدین ترتیب است که در کنار پرونده قضایی و پلیسی مرتکب، پرونده شخصیت وی اهمیت پیدا می‌کند،^۳ لذا مطالعه نهادهای کاهش‌دهنده کیفر می‌تواند به تفکیک بین حسن رفتار در زندان و بازجذب و ادغام در جامعه کمک کند. گاهی قانون، حسن رفتار زندانی و تلاش جدی وی برای بازسازی اجتماعی یا موفقیت در امتحانات یا دوره‌های آموزشی موجب بهره‌مندی مضاعف وی از کاهش کیفر می‌داند. یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۰ میلادی در ایالت اورگان^۴ کشف نمود که ۵۳٫۴ درصد از افکار عمومی معتقدند که بازپروری محکومان باید تأکید اصلی و عمده زندان باشد؛ همچنین تنها ۳۷٫۵ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی، حمایت از جامعه،^۵ و ۹٫۲ درصد از آنها مجازات‌گرایی صرف^۶ را انتخاب کردند. به‌علاوه، بالغ بر ۹۱٫۳ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی از ارائه

۱. ماده ۱۳ از دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، مصوب ۱۳۹۵، بر ارزیابی بالینی در مرحله اجرای حکم تأکید دارد: «... رؤسای زندان‌ها موظف‌اند با بررسی اخلاق، حالات و رفتار زندانیان در دوران تحمل حبس، درخواست آزادی مشروط زندانیان واجد شرایط را به اجرای احکام دادسرا ارسال نمایند...».

۲. در تبصره ۱ این ماده آمده است که «زندان‌ها به زندان بسته، نیمه باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله قانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم می‌شود».

۳. بولک برنار، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ هفتم، ۱۳۹۱، ص ۸.

۴. Oregon

۵. Protect Society

۶. Punishment

خدمات آموزشی و ۸، ۹۲ درصد نیز از ارائه آموزش‌های شغلی به زندانیانی که به جامعه بازمی‌گشتند، حمایت کرده‌اند. این یافته‌ها در ایالت‌های دیگر آمریکا نیز به اثبات رسیده است.^۱

۱.۳. به رسمیت شناختن گونه‌ها و ارکان آموزش محکومان

۱.۳.۱. گونه‌های آموزش محکومان

به منظور اینکه، در نظام‌های تعیین کیفیت، جهت‌گیری‌های هدف آموزش محقق و مشخص گردد، در این راستا، شناخت گونه‌های آموزش و ارکان آنها اهمیت دارد.

۱.۳.۱.۱. آموزش حرفه‌ای - شغلی

هنجارهای بین‌المللی از متصدیان امور زندان می‌خواهد تا برای زندانیان در درون زندان کار فراهم گردد. هرچند براساس پاراگراف دوم ماده ۷۱ از قواعد حداقل اصلاح زندانیان، تنها محکومین باید مشغول به کار شوند و نه متهمین بازداشت موقت. پاراگراف ۶ ماده ۷۱ نیز مقرر می‌دارد، مدیران زندان باید در انتخاب نوع کار، ترجیحات زندانی را لحاظ نمایند. براساس پاراگراف اول از ماده ۷۶، و نیز اصل ۸ از اصول بنیادین مربوط به اصلاح بزهکاران، کار در زندان باید با اجرت باشد و بتواند توانایی‌های زندانی در اداره آبرومندانۀ زندگی را حفظ کند یا بهبود بخشد. ضمن اینکه شرایط و قواعد کار در زندان نیز باید شبیه کار در محیط بیرون از زندان باشد. بدین ترتیب، از آنجایی که در خارج از زندان، برای افراد فاقد تجربه کاری، فرصت شغل فراهم نیست، مقامات زندان باید تمام تلاش خود را برای افزایش توان حرفه‌ای زندانیان به کار گیرند تا این دسته بتوانند پس از آزادی شغل مناسب یابند و آن را نگه دارند. بدون این توانایی و مهارت، بازپذیری اجتماعی آنان با مانع روبه‌رو خواهد شد. در برنامه ششم توسعه، در ضمن اشاره به «بهبود بخشیدن به وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها»، به‌طور خاص در بند ۵ از بند پ ماده ۱۱۳ با عنوان قسمت همکاری‌های بخش‌های غیردولتی در زمینه‌های حرفه‌آموزی، اشتغال حین حبس و پس از آزادی، آموزش، سلامت و درمان، طرح‌های حمایتی از خانواده زندانیان و کمک به خودکفایی زندان‌ها همکاری‌های نهادهای غیردولتی به رسمیت شناخته شده است. لذا فارغ از

1. Thielo, A. J., Cullen, F. T., Cohen, D. M., & Chouhy, C. (2015). Rehabilitation in a Red State: Public support for correctional reform in Texas. Unpublished paper, University of Cincinnati.

خصوصی‌سازی اجرای زندان‌ها، جلب مشارکت نهادهای غیردولتی در سیاست‌های اصلاح‌مدار جایگزین موردپذیرش قرار گرفته شده است.

امروزه برای طبقات مختلف محکومان آموزش‌های متفاوتی تعیین می‌شود. به‌طور کلی محتوای فنی و حرفه‌ای^۱ برای محکومان باید متناسب با نوع شغل و حرفه و همچنین علاقه‌مندی وی باشد. مثلاً در بعضی از طبقات آموزش مهارت‌آموزی مثل آموزش فنی خودرو، کشاورزی، صنایع دستی مهم‌تر از بقیه است. در بعضی از طبقات دیگر فعالیت و یادگیری در ورزش‌های خاص مدنظر است. بنابراین نوع و محتوای آموزشی هر طبقه با طبقات دیگر متفاوت است.^۲ به عنوان مثال، در همین راستا در زندان شهر تیهار هندوستان مجموعه کارگاه‌های بافندگی، نانواپی، کارگاه تولید لباس، مبیل‌سازی، کارگاه استخراج روغن خردل، کارگاه نقاش و نیز تولید نوشت‌افزار راه‌اندازی شده است. اما نکته تأسف‌بار این است که زندان‌ها برخلاف قواعد بین‌المللی از این برنامه‌های کار و اشتغال با هدف سرگرم و مشغول کردن زندانیان، تنبیه یا بهره‌وری از خدمات کار ارزان از آنان سوءاستفاده، و در نظافت زندان، تولید یونیفرم، کار در مزارع زندان به منظور تولید مواد غذایی، آشپزی، هرس درختان و رختشویی، سوءاستفاده می‌کنند. ضمن اینکه کار برای این دسته اجباری است و کسی حق انتخاب یا مخالفت ندارند. صنعت امنیت خصوصی و زندان‌های خصوصی در زندان به عنوان کمپ کار اجباری بهره می‌برند و بعضاً ترجیح می‌دهند به منظور استفاده از خدمات کار ارزان مدت زندان را طولانی کنند.

با توجه به اهمیت بالای فرایند بازپروری، شایسته است کمک به زندانیان به‌گونه‌ای باشد که آنان، ضمن فراگیری آموزش حرفه‌ای، مهارت‌های تجاری را نیز فراگیرند و پس از زندان بتوانند کسب درآمد، و پس‌انداز کنند. این اقدام باعث می‌شود بتوانند مسکن تهیه کنند، از اعضای خانواده خود حمایت کرده، به مرحله اعتماد به نفس برسند و با یافتن دوستان جدید، از ارتکاب جرم جدید منصرف شوند. بازپذیری اجتماعی برای بزه‌کارانی که آموزش ناکافی و قابلیت‌های غیرمنطبق با معیارهای بازار کار دارند، دشوارتر است. فقدان موقعیت برای زندانیان برای کسب

1. Technical and professional content

۲. غلامی، حسین، پیشین، ص ۱۲۲.

آموزش‌های حرفه‌ای مانع از برنامه‌ریزی برای یک بازگشت آسان و موفق آنان به جامعه و در پیش‌گرفتن یک زندگی قانونمند می‌گردد.^۱

در اُکراین به منظور رفع این موانع، زندانیان در کلاس‌ها و سمینارهای آموزش از راه دور شرکت می‌کنند. کشورهای دیگر مانند اتریش، فرانسه، آلمان، پرتغال، سوئد و انگلستان نیز برنامه آموزش‌ازراه دور را در زندان با موفقیت اجرا کرده‌اند. به عنوان مثال، در اتریش زندانیان به منظور آماده‌شدن برای یک زندگی جدید خارج از زندان، در برنامه‌ی مختلف متناسب با بازار کار که از طریق اینترنت ارائه می‌شود، داوطلب می‌شوند.^۲ علاوه بر این، در همین زمینه یک نرم‌افزار فراگیری با قابلیت استفاده در زندان نیز طراحی شده است. این برنامه‌ی حمایتی که با ظرفیت‌های فردی هر زندانی منطبق است، محورهایی همچون سوادآموزی، محاسبه، مدیریت پس‌انداز، کار با فلزات، نجاری و سایر حرف‌ها را در اولویت قرار داده است. سایر کشورهای اروپایی نیز چنین برنامه‌هایی با جهت‌گیری همکاری فراملی بویژه نسبت به زندانیان طراحی و اجرا کرده‌اند. در امارات متحده عربی نیز با همکاری پلیس و وزارت آموزش عالی یک برنامه‌ی حرفه‌ای با لحاظ نیمرخ افراد و نیازهای بازار کار محل برای زندانیان پیش‌بینی شده است. آموزش فعالیت عمرانی و مربوط به ساخت و ساز، شیوه‌ی کارآفرینی پس از زندان، از جمله محورهای این برنامه است که با هدف پیشگیری از تکرار جرم و کاهش بیکاری اجرا می‌گردد. در هنگام ثبت‌نام سن فرد، میزان تحصیلات، تعهد، توانایی فردی و سبک قضایی وی مورد توجه قرار می‌گیرد. طول مدت این برنامه دو سال است و اجازه می‌دهد زندانیان حتی در صورت آزادی قبل از دو سال، این برنامه

۱. ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (اصلاحی-اجرائی ۱۳۹۴)، برای این منظور در صورت تخلف انضباطی از سوی زندانیان اعمال تنبیهاتی را پیش‌بینی نموده است. با توجه به این ماده، «در صورت تخلف انضباطی توسط زندانی یکی از تنبیهات زیر با رعایت تناسب از سوی شورای انضباطی تعیین و پس از تأیید قاضی اجرای احکام اجرا می‌شود: الف- انتقال از مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال به زندان بسته یا نیمه‌باز؛ ب- محرومیت از ملاقات حداکثر تا سه نوبت؛ پ- محرومیت از مرخصی حداکثر تا سه ماه؛ ت- محرومیت از پیشنهاد عفو و آزادی مشروط حداکثر تا شش ماه».

تخلف انضباطی مصادیق مختلفی دارد. برای نمونه، چنانچه زندانی در برخی برنامه‌های آموزشی زندان شرکت نکند یا اینکه در زندان بی‌نظمی ایجاد نماید، می‌تواند تخلف انضباطی باشد که در صورت تحقق آن، شورای طبقه‌بندی وی را به یکی از تنبیهات فوق محکوم می‌کند.

۲. ابراهیمی، شهرام و عبدالله ایزدی، **مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی خارج از محیط کیفری ایران و کانادا**، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۲، شماره ۸۴.

آموزش حرفه‌ای را ادامه دهند. در سال ۲۰۱۱ شصت‌ویک زندانی اولین مرحله این برنامه را با موفقیت سپری کردند.

۱.۳.۱.۲. آموزش اخلاقی- مذهبی^۱

تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی به آنچه که نهادهای آموزشی برای کمک به افراد به منظور تفکر پیرامون مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کمک به آنها برای رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود. «محتوای اخلاقی و مذهبی به‌طور عموم برای همه طبقات زندانیان است. مختص به یک طبقه خاصی از زندانیان نیست. در پرتو دوره‌های آموزشی یکی از معیارهای که باعث می‌شود این دوره‌ها برگزار شود، تقویت اخلاق و مذهب به طبقات مختلف زندانیان است. اخلاق بستر تغییر رفتار بسیاری از مجرمان زندانی است»^۲.

۱.۳.۱.۳. آموزش های اجتماع محور^۳

یکی از اصول برنامه‌ریزی در دوره‌های آموزشی تربیت و رشد شخصیت زندانیان است. به‌طوری‌که محتوای این دوره‌های آموزشی براساس بنیانی نهادینه شده است که زندانیان حس اجتماع‌محور بودن را در جامعه به‌خوبی درک کنند. زمانی که مجرم توانست به این درک ذهنی برسد که در اجتماع همه‌چیز و همه‌مسائل به هم پیوند دارند و به‌طور مستقل نمی‌توان در اجتماع بود، و به فهم صحیحی از این موضوع دست یابد، می‌تواند فرآیند آموزش های اجتماع محور را آغاز نمود.

۱.۳.۲. آموزش کنشگران نظام عدالت کیفری

در نظام عدالت کیفری، شناخت مؤلفه‌های آموزش مدار در قالب کنشگران مربوطه، می‌تواند جایگاه آموزش و تحقق ابعاد آموزش در تعیین کیفرهای اصلاح‌مدار را تبیین نماید که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود.

1. Moral and religious content

۲. قاسمی مقدم، حسن، «ارزیابی میزان اثر بخشی مجازات های اجتماعی در حقوق ایران، انگلستان و ایالات متحده آمریکا»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۰، ص ۷۳.

3. Community-centered content

۱.۳.۲.۱. آموزش نهادهای قضایی صادرکننده و اجراکننده حکم

نظام تعیین کیفر از سوی قضات صادرکننده، اصلی‌ترین مرحله تجلی ملاحظات آموزش‌مدار در ضمن تعیین کیفر متناسب با متهمان است. آموزش در نهادهای تعیین مجازات چنان‌که از عنوانش روشن است، اقدامی قضایی و در کنار نهادهایی مرتبط با تعیین و اعمال مجازات است. این اقدام در رأی دادگاه قید، و سازوکارهایی اجرایی آن نیز در همان دادنامه تعیین می‌شود. در این راستا ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تبصره الحاقی به آن از سوی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری^۱ به‌عنوان سند عام و مهم در تعیین کیفر اصلاح‌مدار قابل توجه است و در این خصوص دادگاه ملزم است تا به تأثیر آموزش بر محکوم توجه نماید. آموزش نهادهای تعیین مجازات، عموماً ضمن صدور حکم و تعیین مجازات است ولی در موارد خاص ممکن است در حین اجرای مجازات نیز مدنظر قرار گیرد که بازتصمیم‌گیری در این زمینه بر عهده قاضی صادرکننده حکم محکومیت است. باوجوداین، آموزش در سه مرحله می‌تواند مورد توجه قاضی قرار بگیرد: مرحله نخست، محکوم‌پنداری که مخصوص تعویق صدور حکم است. در این مرحله هنوز حکمی صادر نشده است، ولی قاضی می‌تواند از آموزش به‌عنوان یک راهکار دیده‌بانی عملکرد مرتکب استفاده کند. مرحله دوم، کیفرگزینی که ناظر به استفاده از آموزش در ضمن صدور حکم و درج در دادنامه است که معمول‌ترین شیوه برای تعیین عموم نهادهای مرتبط با مجازات است. مرحله سوم، اجرای کیفر که پس از صدور حکم و در حین اجرای مجازات مدنظر مقامات اجرای مجازات قرار می‌گیرد، ولی دستوردهنده همچنان مقام صادرکننده حکم است.

۱. ماده ۱۸ - «...دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی

تبصره: چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد.»

قضات اجرای احکام^۱ نیز از جمله کنشگران مستقیم پیاده‌کننده نهاد‌های اصلاح‌مدار مؤثر بر آموزش محکومان است که در تدابیر حین تحمل حبس و آزادی‌های پیش از موعد، می‌توانند از طریق آموزش محکومان در زمینه کاهش تکرار جرم و همچنین تحقق هدف مجازات مؤثر واقع شوند. به عنوان مثال، آموزش قضات اجرای احکام در پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه الکترونیکی مؤثر است. در این خصوص قضات اجرای احکام مطابق ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی شیوه استقرار و اجرای وظایف معاونت اجرای احکام کیفری یا واحدی از آن در زندان‌ها و مؤسسات کیفری که بیان می‌دارد: «قاضی مستقر می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران مبنی بر آنکه اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی از سوی محکوم علیه در خارج از محیط زندان در فرایند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه‌دیده مؤثر است. به دادگاه صادرکننده حکم قطعی اجرای نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه الکترونیکی را پیشنهاد دهد»، وظیفه پیشنهاد نهاد‌های فوق به دادگاه صادر کننده حکم قطعی را دارد. یا مثال دیگر را می‌توان در مواد ۵۵۳ و همچنین ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مشاهده نمود که به موجب ماده اخیرالذکر، «محکومان می‌توانند در صورت رعایت ضوابط و مقررات زندان و مشارکت در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و کسب امتیازات لازم پس از سپردن تأمین مناسب، ماهانه حداکثر سه روز از مرخصی برخوردار شوند...».

۱.۳.۲.۲. آموزش مأموران زندان به تغییر رویکرد به سمت اصلاح و آموزش زندانیان
 آیا مأموران زندان تمایل دارند تا نقش خودشان را از مأمور بخش اقدامات سالب آزادی به مأموران تغییر و تحول‌خواه، توسعه دهند؟ دور از ذهن است که انتظار داشته باشیم تمامی مأموران زندان از پذیرش چنین نقشی استقبال کنند. تحقیقات نشان می‌دهند که برخی از مأموران زندان، یک تمایل روشن نسبت به محکومیت‌های سالب آزادی، و احساسات منفی نسبت به زندانیان در خود دارند. ترغیب موفقیت‌آمیز مأموران زندان به عوامل تغییر رفتاری محکومان، احتمالاً از توسعه آموزش کیفی رویه‌های مؤثر تأدیبی که نسبت به محیط زندان قابل

۱. امیری، مهدی، احمد رضانی، ایرج گلدوزیان و سهراب صلاحی، مطالعه تطبیقی جایگاه نهاد اجرای احکام در نظام کیفری ایران، فرانسه و انگلستان، مطالعات حقوق تطبیقی، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، شماره ۲.

اعمال است، حمایت از نظارت‌های قوی که انگیزه‌ها برای اجرای مثبت را شامل می‌شود و ایجاد یک فرهنگ سازمانی درمانی که در آن، تمامی کارکنان زندان، اصلاح مجرمان را به عنوان یک هدف مغتنم و بالارزش می‌بینند، مانع می‌شود.

۱.۴. پیش‌شرایط تحقق آموزش محکومان

۱.۴.۱. توجه به سن محکومان به زندان

شایسته است که به نیازهای این دسته از بزهکاران، به‌طور ویژه توجه نمود؛ بدین شکل که تا حد امکان محل نگهداری آنان را از دیگر زندانیان مجزا کرد و در هیچ شرایطی آنان را به انجام کارهای سخت یا سنگین مجبور نکرد. ولی باید آنان را در فعالیت‌های مفید مشغول و درگیر نمود. اداره بازپروری زندان کانادا در همین زمینه خدماتی را درخصوص ترک اعتیاد، سلامت روانی، یافتن شغل، بیمه درمان، بیمه تأمین اجتماعی به این دسته ارائه می‌کند. حمایت‌های سازمان‌های حمایت اجتماعی و مردم‌نهاد، در مرحلهٔ پساجس، با توجه به تعدد نیازهای این دسته از زندانیان و آسیب‌پذیری بالا، به‌ویژه در یافتن محل سکونت می‌تواند در کاهش زمینهٔ بازگشت به حرفهٔ مجرمانه مؤثر واقع شود. ماده ۲۷ از قواعد سازمان ملل برای حمایت از اطفال محروم از آزادی در خصوص نیازهای اطفال بزهکار و برنامه‌ریزی برای مداخله مقرر می‌دارد: «در اولین فرصت پس از پذیرش باید با هر نوجوان مصاحبه شود و گزارش روانی و اجتماعی حاوی تشخیص عوامل مربوط به نوع، سطح مراقبت و برنامه لازم برای آنها تهیه شود و این گزارش همراه با گزارش پزشکی به مدیریت تحویل گردد تا بهترین محل مناسب برای نوجوانان در بازداشتگاه و برنامه‌های مراقبتی از آنها تعیین شود».

۱.۴.۲. رفتارهای متناسب با شخصیت افراد زندانی

قواعد حداقل نحوهٔ رفتار، فردی‌سازی رفتار با زندانی براساس نیازهای شخصی وی را ضروری می‌داند (ماده ۶۳-۵۹). بدین منظور باید به نحو صحیح ارزیابی شود و براساس آن یک برنامهٔ متناسب با ظرفیت، نیازها و امکانات وی را تنظیم کرد (ماده ۶۹). قواعد سازمان ملل برای حمایت از اطفال محروم از آزادی نیز بر اهمیت ارزیابی از جوانان مستقر در مؤسسات و کانون اصلاح تربیت، درک نیازهای آنان، لزوم ارائهٔ برنامه‌های متناسب با نیازها و چالش‌های آنان اصرار می‌ورزد. در واقع توصیهٔ این نهادها، انجام ارزیابی قبل از محکوم‌شدن آنان به حبس و

انجام تحقیقات اجتماعی پیش از محکومیت است. در ارتباط با زنان نیز قواعد بانکوک، ارزیابی می‌شود و طبقه‌بندی آنان براساس نیازها و وضعیت‌های متناسب جنس را لازم می‌داند؛ به گونه‌ای که بازانطباق‌سازی و بازپذیری اجتماعی آنان در جامعه تسهیل شود (ماده ۴۰).

بنابراین، مجموعه قواعد حداقل نحوه رفتار با زندانیان مشتمل بر تدابیر قابل توجهی درخصوص شرایط بازداشت و مدیریت زندان است. شرایط کنونی زندان، منابع در دسترس اداره زندان، کیفیت و صلاحیت و قابلیت پرسنل زندان، به گونه‌ای است که می‌تواند با توجه به نوع تجربه زندانی در آن محیط، به بازپذیری اجتماعی موفق وی یا بالعکس مانع بازپذیری او گردد. ماده ۶۵ مجموعه قواعد حداقل هدف از نگهداری زندانی را چنین بیان می‌دارد: «رفتار با افراد محکوم به زندان یا در شرایط مشابه، بایستی تا حدی که زمان محکومیت اجازه می‌دهد، این هدف را دارا باشد که در آنان تمایل به اداره زندگی خویش با رعایت قانون پس از آزادی را به وجود آورده و آنان را برای این امر آماده سازد. رفتار با زندانیان باید چنان باشد که احترام به خویش را در آنان تشویق نموده و احساس مسئولیت را در آنان رشد دهد».

۲. روش تحقیق

نتایج تحلیل آمار توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه خبرگان به شرح زیر است: کل نمونه آماری خبرگان مورد مطالعه ۸۰ نفر بودند. تحلیل آماری خبرگان از لحاظ وضعیت جنسیت، ۶۱ نفر مرد و ۱۹ نفر زن بودند. به عبارتی بیشتر افراد نمونه ۷۶/۲ درصد مرد و تنها ۲۳/۸ درصد زن بودند. از لحاظ وضعیت تأهل ۶۵ نفر (۸۱/۲ درصد) متأهل بوده و تنها ۱۵ نفر از آنها یعنی (۱۹/۸ درصد) مجرد بوده‌اند. از لحاظ وضعیت سنی ۱۴ نفر از افراد نمونه (خبرگان) کمتر از ۳۰ سال (۱۷/۵ درصد)، ۲۲ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال (۲۷/۵ درصد)، ۴۴ نفر ۴۱ سال و بالاتر از آن (۵۵ درصد) سن داشتند. بیشترین درصد افراد فراوانی مربوط به گروه سنی بالاتر از ۴۰ سال و به عبارتی بیشتر افراد نمونه بزرگسال بودند. از لحاظ وضعیت مدرک تحصیلی ۱۳ نفر از افراد نمونه (خبرگان) (۱۶/۲ درصد) پاسخگویان دارای مدرک لیسانس و ۲۵ نفر (۳۱/۳ درصد) دارای مدرک فوق لیسانس ۴۲ نفر از کل افراد نمونه (خبرگان) (۵۲/۵ درصد) دارای مدرک تحصیلی دکترا و بالاتر بودند. بیشترین فراوانی نشان‌دهنده این است که اکثریت افراد نمونه (خبرگان) از نظر تحصیلات دارای مدرک دکترا و بالاتر بودند. از لحاظ وضعیت سابقه کاری ۶/۳ درصد افراد نمونه

کمتر از ۵ سال سابقه فعالیت، ۱۸/۷ درصد افراد نمونه (خبرگان) بین ۵ تا ۱۰ سال سابقه فعالیت، ۲۷/۵ درصد نیز بین ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه فعالیت و ۴۷/۵ درصد از افراد نمونه (خبرگان) بالاتر از ۱۵ سال سابقه داشتند. با توجه به بیشترین فراوانی، مشاهده شده است که ۴۷/۵ درصد افراد نمونه (خبرگان) از سابقه فعالیت ۱۵ سال به بالا سابقه داشتند. از لحاظ وضعیت رشته تحصیلی ۳۷/۵ درصد افراد نمونه رشته حقوق، ۱۷/۵ درصد افراد نمونه (خبرگان) رشته روانشناسی، ۱۵ درصد رشته مدیریت و جامعه‌شناسی و ۲۴ درصد از افراد نمونه (خبرگان) سایر رشته‌ها بودند. با توجه به بیشترین فراوانی، مشاهده شده است که ۳۷/۵ درصد افراد نمونه (خبرگان) دارای رشته تحصیلی حقوق بودند.

۳. یافته‌های تحقیق

نتایج تحلیل آمار توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه زندانیان به شرح زیر است: کل نمونه آماری زندانیان مورد مطالعه ۱۰۰ نفر بودند. تحلیل آماری خبرگان از لحاظ وضعیت جنسیت تعداد ۸۲ نفر مرد و ۱۸ نفر زن بودند؛ به عبارتی، بیشتر افراد نمونه ۸۲ درصد مرد و تنها ۱۸ درصد زن بودند. از لحاظ وضعیت تأهل ۸۹ نفر (۸۹ درصد) متأهل و تنها ۱۱ نفر از آنها یعنی (۱۱ درصد) مجرد بوده‌اند. از لحاظ وضعیت سنی ۲۴ نفر از افراد نمونه (زندانیان) کمتر از ۳۰ سال (۲۴ درصد)، ۶۳ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال (۶۳ درصد) و ۱۳ نفر ۴۱ سال و بالاتر از آن (۱۳ درصد) سن داشتند. بیشترین درصد افراد فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال بوده است؛ به عبارتی بیشتر افراد نمونه میانسال بودند. از لحاظ وضعیت سطح تحصیلات ۶۳ نفر از افراد نمونه (زندانیان) (۶۳ درصد) دارای مدرک دیپلم و زیر دیپلم و ۲۴ نفر (۲۴ درصد) دارای مدرک فوق دیپلم و ۱۳ نفر از کل افراد نمونه (زندانیان) (۱۳ درصد) دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر بودند. بیشترین فراوانی نشان‌دهنده این است که اکثریت افراد نمونه (زندانیان) از نظر تحصیلات دارای مدرک دیپلم و زیر دیپلم بودند.

۳.۱. آزمون کولموگروف- اسمیرنوف (تعیین نرمال و غیر نرمال بودن متغیرها)

آزمون کولموگروف- اسمیرنوف به‌عنوان یک آزمون تطابق توزیع برای بررسی توزیع داده‌های کمی است. از این آزمون برای آزمون نرمال بودن توزیع جامعه استفاده می‌شود. نتایج

تحلیل نشان داد که چون مقدار سطح معنی‌داری برای شاخص‌های مورد تحلیل (اجرای الگوی آموزشی، اثربخشی الگوی آموزشی، تغییر رفتار مجرمان، نهادهای مرتبط با تعیین مجازات، کیفیت محتوای الگوی آموزشی، نیازسنجی الگوی آموزشی، ارزشیابی الگوی آموزشی، مجازات‌های جایگزین حبس، آسیب‌شناسی دوره‌های موجود، اجرای الگوی دوره آموزشی، بستر فراگیری دوره آموزشی، ارزیابی زندگی شخصی و خانوادگی) بزرگ‌تر از مقدار خطا ۰/۰۵ است، در نتیجه این متغیرها دارای توزیع نرمال هستند. بنابراین گفته می‌شود توزیع تمامی متغیرها نرمال است و برای داده‌های این نمونه آماری می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

جدول (۱): جدول آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

ابعاد	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	تایید فرضیه	نتیجه‌گیری
اجرای الگوی آموزشی	۰/۱۳۵	۰/۰۵	H_0	نرمال است
اثربخشی الگوی آموزشی	۰/۱۱۵	۰/۰۵	H_0	نرمال است
تغییر رفتار مجرمان	۰/۱۲۵	۰/۰۵	H_0	نرمال است
نهادهای مرتبط با تعیین مجازات	۰/۱۱۴	۰/۰۵	H_0	نرمال است
کیفیت محتوای الگوی آموزشی	۰/۱۲۰	۰/۰۵	H_0	نرمال است
نیازسنجی الگوی آموزشی	۰/۱۳۲	۰/۰۵	H_0	نرمال است
ارزشیابی الگوی آموزشی	۰/۱۲۳	۰/۰۵	H_0	نرمال است
های جایگزین حبس مجازات	۰/۱۴۲	۰/۰۵	H_0	نرمال است
شناسی دوره‌های موجود آسیب	۰/۱۰۵	۰/۰۵	H_0	نرمال است

(مأخذ: داده‌های پژوهش)

۳.۲. آزمون پایایی پژوهش (تعیین صحت و اعتماد گویه‌های پرسشنامه)

پایایی یک ابزار اندازه‌گیری، عبارت است از درجه ثبات، همسانی و قابلیت پیش‌بینی آن در اندازه‌گیری هر آنچه اندازه می‌گیرد. این کیفیت، در هر نوع اندازه‌گیری یک امر اساسی است. اکثر سازندگان آزمون و محققان اگر ضریب پایایی ۰/۷ یا بیشتر به دست آورند، احساس رضایت می‌کنند، اما از ضریب کمتر از ۰/۷ ناراضی می‌شوند. پایایی یک آزمون تا حدی تابع طول آزمون است. هرچه طول آزمون بیشتر باشد، پایایی آن نیز بیشتر است. مقدار آلفای کرونباخ همه متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ به دست آمده است، بنابراین نشان‌دهنده این است که پرسشنامه‌ها از پایایی خوبی برخوردار بوده است.

جدول (۲): آزمون آلفای کرونباخ جهت تعیین پایایی پژوهش

شاخص‌ها	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
اجرای الگوی آموزشی	۱۴	۰/۸۲
اثر بخشی الگوی آموزشی	۹	۰/۸۸
تغییر رفتار مجرمان	۱۵	۰/۸۴
نهادهای مرتبط با تعیین مجازات	۹	۰/۸۵
کیفیت محتوای الگوی آموزشی	۱۰	۰/۸۴
نیازسنجی الگوی آموزشی	۱۵	۰/۸۹
ارزشیابی الگوی آموزشی	۵	۰/۸۷
مجازات‌های جایگزین حبس	۱۰	۰/۸۳
آسیب‌شناسی دوره‌های موجود	۷	۰/۸۵

(مأخذ: داده‌های پژوهش)

۳.۳. آزمون شاخص‌های تأثیرگذار بر الگوی آموزشی پیشنهادی

در بخش تحلیل استنباطی به آزمون شاخص‌های تأثیرگذار بر الگوی آموزشی پیشنهادی براساس تحلیل مسیر پرداخته شده است. روش تحلیل مسیر، تعمیمی از رگرسیون معمولی است که قادر است علاوه بر بیان آثار مستقیم، آثار غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرهای مستقل را برای متغیرهای وابسته نشان دهد و با بیان منطقی، روابط و همبستگی مشاهده شده بین آنها را تفسیر کند. به‌طور کلی تحلیل مسیر روش آماری کاربرد ضرایب بتای استاندارد رگرسیون چند متغیری در مدل‌های ساختاری است. هدف تحلیل مسیر به‌دست آوردن برآوردهای کمی روابط علی (هم‌کنشی یکجانبه یا کواریته) بین مجموعه‌ای از متغیرهاست. برای آزمون معناداری شاخص‌های تأثیرگذار بر الگوی آموزشی پیشنهادی، نسبت بحرانی (CR) و سطح معناداری (P) استفاده شده است. چنانچه نسبت بحرانی (CR) بیشتر از ۱/۹۶ باشد، ضریب رگرسیونی در سطح اطمینان ۹۵ درصد و چنانچه نسبت بحرانی (CR) بیشتر از ۲/۵۷ باشد، ضریب رگرسیونی در سطح ۹۹ درصد معنادار است. چنانچه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد، ضریب رگرسیونی

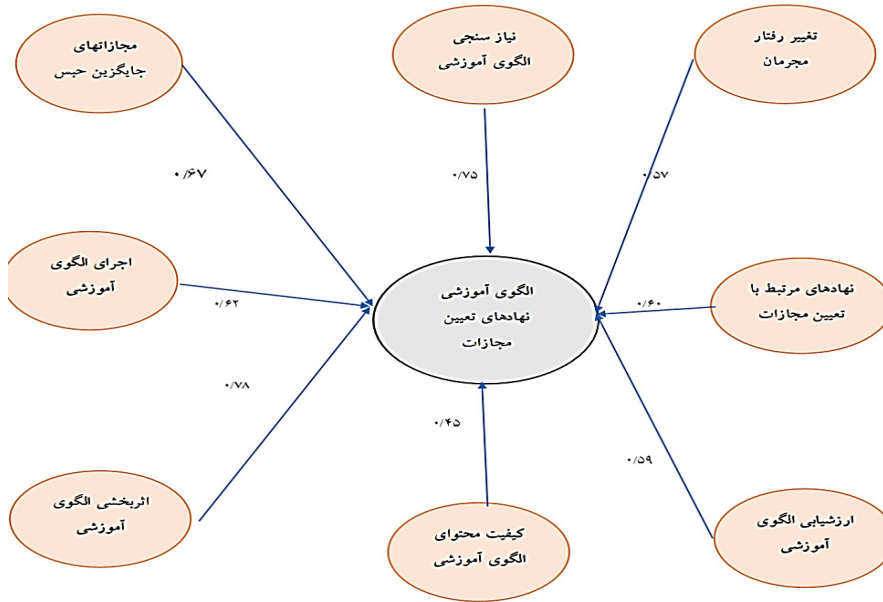
استاندارد شده در سطح اطمینان ۹۵ معنادار است. چنانچه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ باشد، ضریب رگرسیونی استاندارد شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است.

۳.۴. مدل معادلات ساختاری

برای تعیین ارتباط بین عوامل و چگونگی تأثیر آنها از روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار AMOOS بهره گرفته شده است. مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۹۶ است، لذا این مقدار کمتر از ۰/۱ است که نشان می‌دهد میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب است و مدل اولیه قابل قبول می‌باشد. همچنین میزان شاخص GFI، CFI و NFI نیز از ۰/۹ بیشتر است که نشان می‌دهند مدل اندازه‌گیری این متغیر پژوهش، مدل مناسبی است.

جدول (۳): نتایج آزمون معناداری شاخص‌های تأثیر گذار بر الگوی آموزشی پیشنهادی

نتیجه	P سطح معناداری	CR نسبت بحرانی	ضریب مسیر (B)	شاخص‌ها
تأیید	۰/۰۵	۲/۳۴	۰/۶۲	اجرای الگوی آموزشی
تأیید	۰/۰۵	۲/۶۷	۰/۷۸	اثر بخشی الگوی آموزشی
تأیید	۰/۰۵	۲/۱۲	۰/۵۷	تغییر رفتار مجرمان
تأیید	۰/۰۵	۲/۷۸	۰/۶۰	نهادهای مرتبط با تعیین مجازات
تأیید	۰/۰۵	۲/۸۴	۰/۴۵	کیفیت محتوای الگوی آموزشی
تأیید	۰/۰۵	۲/۸۳	۰/۷۵	نیاز سنجی الگوی آموزشی
تأیید	۰/۰۵	۲/۵۹	۰/۵۹	ارزشیابی الگوی آموزشی
تأیید	۰/۰۵	۲/۷۱	۰/۶۷	مجازات‌های جایگزین حبس
تأیید	۰/۰۵	۲/۶۷	۰/۴۹	آسیب‌شناسی دوره‌های موجود



شکل (۴): الگوی پیشنهادی

نتیجه‌گیری

کیفرشناسان هدف از اعمال مجازات زندان را اصلاح و بازپروری اجتماعی فرد می‌دانند و به همین دلیل به منظور تحقق این اهداف، اجرای کیفر حبس را مقید به رعایت قواعد و اصولی نموده‌اند. بر این اساس، به لحاظ بین‌المللی، قواعد اجرای کیفر زندان و رفتار با زندانیان و همچنین مدیریت زندان موضوع ارشادات و الزامات بین‌المللی قرار گرفته‌اند. از این حیث، در حقوق کشورهای ایران، تبلور و تجلی این قواعد مشاهده می‌شود، اما تفاوت میان این دو کشور در پیاده‌سازی و میزان التزام عملی و بعضاً مقررات داخلی و الحاق به برخی از اسناد بین‌المللی است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که متأسفانه در شرایط فعلی زندان‌های ما، تلاش چندانی برای دستیابی به هدف التزام به قواعد حاکم بر زندان صورت نمی‌گیرد. مقاله حاضر در مقام ارائه سازوکارها و الگوی بایسته برای آموزش مرتبط با نهادهای تعیین مجازات برآمده است. در واقع این الگو درصدد اصلاح مسیر تعیین مجازات‌های بدون توجه به آموزش به سمت آموزش محوری است تا نهایتاً اتمام هر دوره محکومیتی ضرورتاً با آموزش دیدگی محکوم همراه باشد.

در مقاله حاضر با رویکرد اجرایی و در پرتو مطالعات نظری مبنی بر امکان‌سنجی قضایی و تقنینی اعمال آموزش در نهادهای تعیین مجازات با لحاظ مطالعات تطبیقی نظام‌های پیشرو در این زمینه، مشخص شد که مؤلفه‌های مختلف شخصیت‌مدار محکومان، نوع بزهکاری و دفعات بزهکاری و سن محکومان، تماماً باید در راستای تحقق اهداف بازپروری و بازپذیرسازی و همچنین کاهش تکرار جرم، اهمیت کارکردی و جایگاه ویژه‌ای دارد. مضافاً اینکه در این راستا، الزاماً تناسب‌سازی آموزش یا دوره‌های آموزشی با هر یک از نهادهای مرتبط با تعیین مجازات به تفکیک به همراه بیان اصول مشترک همه این نهادهای مرتبط با تعیین کیفر، می‌توانند تضمین‌کننده التزام به سیاست‌ها و تدابیر اصلاح‌مدار با محوریت آموزش محکومان شود. در این بین، تبیین ساختار لازم برای اعمال آموزش یا تشکیل دوره‌های آموزشی برای متصدی آموزش، نیروی انسانی آموزش‌دهنده، هزینه‌های آموزش، مکان آموزش، گونه‌های آموزش و تعیین راهکارهای ارتباط مداوم محکوم با فضای آموزش‌گیری به‌ویژه از طریق قابلیت‌های فضای مجازی همگی راهکارهایی هستند که شاخص‌ها و مؤلفه‌های کاهش بزهکاری و تکرار آن را محقق می‌سازند. نهایت امر اینکه، تبیین محتوای لازم برای آموزش که مهم‌ترین قسمت برنامه‌های اجرایی را در برخواهد داشت، محتوای آموزشی متناسب با پرونده شخصیت در

پرونده‌های مهم و سازگار با شرایط و شخصیت مرتکب به ویژه با لحاظ مؤلفه‌های مندرج در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. از این منظر، محتوای آموزشی هم از نظر دسته‌بندی محکومان و هم به لحاظ نوع جرم ارتكابی از یک سو و فراهم‌سازی موقعیت آینده محکوم در جامعه از نظر یافتن شغل یا مبادرت به حرفه یا تنظیم تعامل اجتماعی از سوی دیگر باید ضمن مشورت با کثری از اهالی فن و اساتید علوم آموزشی، تربیتی و در طیف‌های وسیع و متنوع طراحی گردد. در هر حال، در تنظیم این محتوای آموزشی باید وضعیت گذشته، حال و آینده محکوم و نیز کارآمدی و مفیدبودن آن لحاظ شود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میزان تأثیرگذاری شاخص‌ها به ترتیب به اولویت‌گذاری محکومان مشمول تدابیر آموزشی و اصلاح‌مدار، الگوی استعدادیابی و همچنین نیازسنجی تدابیر مرتبط، آموزش از طریق مجازات‌های جایگزین حبس، تأکید ویژه بر نهادهای مرتبط با تعیین مجازات از جمله مؤثرترین موارد است که فرایند اصلاح و درمان و آموزش محکومان به کیفر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این بین، آسیب‌شناسی دوره‌های آموزشی موجود مشخص کرد که تغییر رفتار مجرمان، ارزیابی زندگی شخصی و خانوادگی آنان و همچنین کیفیت محتوای الگوی آموزشی مضعیت نامتعارف و رو به پائینی دارند. به همین دلیل پیشنهادهایی در راستای ارتقای شاخص‌های آموزش‌مدار در تعیین و اجرای کیفر مقتضی است:

۱. برای درمان بیماری‌های جسمی «بیمارستان» برای درمان بیماران روحی «تیمارستان» توسط جوامع ایجاد گردید، لیکن جهت درمان معضلات اجتماعی ایجاد «هنجارستان» به منظور هماهنگ کردن بخش‌های عمومی و خصوصی (سازمان‌های دولتی و غیردولتی) که در زمینه پیشگیری از بزهکاری فعالیت می‌کنند، مانند دادگستری، نیروی انتظامی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش شهرداری‌ها، جوانان، ورزش و غیره و شناسایی ظرفیت‌های این مجموعه‌ها با همکاری فعال سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) ضرورت دارد.
۲. آموزش پس از بزهکاری و حین اعمال نهادهای تعیین مجازات، ماهیتاً با آموزش زندانیان فرق دارد. دوره‌های آموزشی مرتبط با تعیین مجازات، بیرون از محیط زندان اعمال می‌گردد، ولی سازوکارهایی اجرایی این مهم هنوز روشن نشده است. لذا ضرورت دارد با مداخله قوه قضائیه

- و نهادهای قانون‌گذاری، در راستای ایجاد نهاد «هنجارستان» سازوکارهای اجرایی، محل اجرا، دوره‌های آموزشی و نحوه نظارت مقام قضایی بر آن تبیین و نظام‌مند گردد.
۳. آموزش محکومین تحت اعمال نهادهای تعیین مجازات، می‌تواند با تحمیل کمترین هزینه‌ها بر قوای حاکمه و به صورت غیرمستقیم، با ایجاد ظرفیت‌های لازم در یک فضای واقعی آموزشی همچون کلاس‌های مدارس یا دانشگاه یا مؤسسات آموزشی خصوصی، مساجد و ... برگزار شود و همین تفاوت مکانی بر کیفیت آموزش نیز اثر می‌گذارد.
۴. آموزش حین اعمال نهادهای مجازات در ابتدا مبتنی بر پرونده کیفری و گاه پرونده شخصیت است و با تشخیص قضایی اعمال می‌شود، سپس این تشخیص با نظارت قضایی نیز همراه می‌گردد که سبب می‌شود تا آموزش حین اعمال نهادهای قضایی از گونه‌های دیگر آموزش معتبرتر، رسمی‌تر و مؤثرتر باشد. لذا باید ضمن طراحی یک اپلیکیشن، کلیه فرایندهای نظارتی از مرحله شروع تحقیقات مقدماتی و تشکیل پرونده شخصیت تا پیاده‌سازی دوره‌های آموزشی مد نظر، در تداوم آموزشی حضوری، در این بستر نیز اجرا شود و در دسترس مقام قضایی قرار گیرد تا بتوان با استفاده از ظرفیت‌های قانونی تدابیر لازم را در زمان‌های مشخص به منظور هدایت صحیح مجرم اعمال نمود.
۵. در ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی، به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی و تنها به مجازات‌های تکمیلی ممنوعیت محور اشاره شده و درباره یادگیری و آموزش هیچ اشاره‌ای نشده است. این سکوت قانونی می‌تواند با تدبیر قضات، نقش آموزش را در خصوص مجرمین پررنگ‌تر نماید.
۶. پیشنهاد مؤکد آن است که در عین احیای جایگاه مددکاران اجتماعی در اجرای کیفر در کنار قضات اجرای احکام، نسبت به تأسیس مراکز مشاوره شغلی در تمام زندان‌های کشور اقدام جدی به عمل آید تا پس از حل مشکلات شغلی علاوه بر تأمین سلامت روانی مددجویان، آموزش فنی و حرفه‌ای انواع مشاغل، میزان کارآمدی آنان، نسبت به کاهش رفتارهای پرخطر در زندان‌ها، افزوده شود.
۷. آزادسازی‌های مرتبط با شیوع بیماری‌های فراگیر از جمله کرونا، آزادی‌های مرتبط با آیین‌ها و مراسم‌های مختلف و از همه مهم‌تر آزادسازی‌های مرتبط با اجرای قانون کاهش مجازات

حبس تعزیری نتوانسته‌اند چاره جمعیت بالای زندان در ایران باشند. از این مهم‌تر، این راهکار سبب بدبینی شهروندان به فرجام حبس در دادنامه‌ها شده است. با لحاظ جایگاه آموزش و دوره‌های آموزشی در نهادهای تعیین مجازات به شرح پیش‌گفته، ضرورت دارد آینده زندان و جمعیت کیفری ایران را از یک سو و میزان و کیفیت بازسازی محکومان را مدیریت کرد.

۸. در نهایت می‌توان همسو با مطالعات پژوهش حاضر، پیشنهادات ذیل بر اساس پرسشنامه محقق ساخته با همکاری و راهنمایی اساتید روانشناسی و جامعه‌شناسی طراحی شده و با توجه به دوره‌های آموزشی موجود، شاخص‌های ضروری و مؤثر بر آموزش مجرمین بر اساس سطح اهمیت مورد نظر دو جامعه آماری نخبگان و محکومین و زندانیان را استخراج کرد و به شرح ذیل الگوهای کلان و خرد را تبیین و رویکرد آموزش در نهادهای اصلاح مدار را نظام‌مند نمود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. آلبرشت، هانس یورگ، *تورم جمعیت زندان‌ها؛ در جست‌وجوی کارآمدترین راه‌حل‌ها*، ترجمه و تحقیق حسین میرمحمدصادقی و همکاران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۵.
۲. آشوری، محمد، *جایگزین‌های زندان و مجازات‌های بینابین*، نشر گرایش، چاپ چهارم، ۱۳۹۵.
۳. ابراهیمی، شهرام، *پیشگیری از تکرار جرم در پرتو بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران*، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۴. استیون، لاتیمر، مک شین، مری، آن ون، گلینو، *رفتار و فرآیندهای فردی*، ناشر آبان برتر، چاپ دوم، ۱۳۹۶.
۵. بریت ناچ، سیموس، *جرم و مجازات از نظرگاه امیل دورکیم*، ترجمه محمدجعفر ساعد، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۷.
۶. بولک، برنار، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، ۱۳۹۱، انتشارات مجد.
۷. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا، *تحولات جامعه‌شناسی کیفر: از دورکهایم تا گارلند*، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، ۱۳۹۲.
۸. حاجی تبار فیروزجائی، حسن، *مجازات‌های جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران*، چاپ اول، انتشارات فردوسی، ۱۳۹۳.
۹. دانش، تاج‌زمان، *حقوق زندانیان و علم زندان‌ها*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۹۳.

۱۰. رازانی، محمود، *ضرورت بازنگری در آموزش مهارت‌های تسخلی در زندان‌ها*، ماهنامه صلاح و تربیت، ۱۳۹۵.
۱۱. شامبیاتی، هوشنگ، *حقوق جزایی عمومی*، مجمع علمی فرهنگی مجد تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۹۲.
۱۲. صفاری، علی، *کیفرشناسی*، انتشارات جنگل، چاپ سی‌ویکم، ۱۳۹۶.
۱۳. غلامی، علی و پیمان حسینی، *راهنمای کاهش جمعیت زندان‌ها*، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۱۴. غلامی، حسین، *کیفرشناسی؛ کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم*، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
۱۵. غلامی، حسین، *ازدحام در زندان*، چاپ سوم، تهران: نشر میزان. چاپ سوم، ۱۳۹۵.
۱۶. فوکو، میشل، *مراقبت و تنبیه (تولد زندان)*، ترجمه: نیکو، سرخوش و افشین، جهان دیده، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵.
۱۷. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، *زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟* دیپاچه در: برنار بولک، کیفر شناسی، ویراست پنجم، ۱۳۸۷.
۱۸. -----، *سیاست جنایی ایران در قلمرو اداره زندان‌ها؛ تحول مستمر مقررات اجرایی*، دیپاچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، تهران، ویراست پنجم، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
۱۹. نوبهار، رحیم، *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*، انتشارات جنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۲.

مقاله

۲۰. ابراهیمی، شهرام و عبدالله ایزدی، *مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی خارج از محیط کیفری ایران و کانادا*، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۲، شماره ۸۴.
۲۱. -----، *مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی و درمانی در مرحله اجرای مجازات زندان، در ایران و کانادا*، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳۹۱، شماره ۲.

۲۲. اسداللهی، عبدالرحیم، علیرضا محسنی تبریزی و محمود براتوند، نقش مرکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال‌زایی زنان زندانی خوزستان، دوره ۹، ۱۳۹۲، شماره ۳۴.
۲۳. امیری، مهدی، احمد رضائی، ایرج گلدوزیان و سهراب صلاحی، مطالعه تطبیقی جایگاه نهاد اجرای احکام در نظام کیفری ایران، فرانسه و انگلستان، مطالعات حقوق تطبیقی، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، شماره ۲.
۲۴. جوان جعفری، عبدالرضا و محمد صالح اسفندیاری، کارکرد زندان از منظر نظریه‌های جامعه‌شناسی مجازات، آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۱۲.
۲۵. صبوری پور، مهدی، تأثیر میزان خطرپذیری افراد بر بازدارندگی مجازات نسبت به آنها، فصلنامه تحقیقات حقوقی، پاییز ۱۳۹۵، شماره ۷۵.
۲۶. یکرنگی، محمد و مهدی ایرانمنش، کیفرهای اجتماع محور: از نظریه تا عمل، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۲ شماره ۶۴.

پایان‌نامه

۲۷. قاسمی مقدم، حسن، «ارزیابی میزان اثر بخشی مجازات‌های اجتماعی در حقوق ایران»، انگلستان و ایالات متحده آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۰.

ب) منابع انگلیسی

Books

28. Cullen, F. T. (2012). Taking rehabilitation seriously: Creativity, science, and the challenge of offender. *Punishment and Society*, 14, 94–114
29. Cullen, F. T., Jonson, C. L., & Stohr, M. K. (Eds.) (2014). *The American prison: Imagining a different future*. Thousand Oaks: Sage.
30. Latessa, E. J., Listwan, S. J., & Koetzle, D. (2014). *What works (and doesn't) in reducing recidivism*. Waltham: Anderson
31. Lattimore, Pamela K, Beth M. Huebner, and Faye S. Taxman (2021) HANDBOOK ON MOVING CORRECTIONS AND SENTENCING FORWARD Building on the Record, Routledge.

32. Thielo, A. J., Cullen, F. T., Cohen, D. M., & Chouhy, C. (2015). Rehabilitation in a Red State: Public support for correctional reform in Texas. Unpublished paper, University of Cincinnati.

Articles

33. Wilson, D. B., Gallagher, C. A., & MacKenzie, D. L. (2010). "A metaanalysis of corrections-based education, vocation, and work programs for adult offenders". *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 11(4), 141-119.

Thesis

34. Baldwin, J. M. (2013). *Veteran's treatment courts: Studying dissemination, implementation, and impact of treatment-oriented criminal courts*. Unpublished Ph.D. dissertation, University of Florida.
35. Listwan, S. J., Sullivan, C. J., Agnew, R., Cullen, F. T., & Colvin, M. (2013). The pains of imprisonment revisited: The impact of strain on inmate recidivism. *Justice Quarterly*, 30, 144-168.

ج) منابع فرانسوی

Livres

36. Huber, Andrea, Les Règles Mandela, Standards Minima pour le traitement des détenus révisés, AJ Pénal 2015.
37. Liebling, Alison, Règles, droits et valeurs : explorer la qualité morale des prisons, AJ Pénal 2015.